

# راه‌های یاری امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ در عصر غیبت

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد مهدی لطفی

## فضیلت یاری امام

خداوند می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِّبْ أَقْدَامَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.»<sup>۱</sup> یاری خداوند به معنای یاری دین خدا و حجت‌های الهی است. خداوند به خاطر علاقه‌ی عمیقی که به حجت‌ها و اولیای خود دارد، یاری آن‌ها را به منزله‌ی یاری خود تلقی کرده است، همچنان‌که ظلم به آن‌ها را ظلم به خود دانسته است. به همین جهت است که هر کسی ادعای محبت به خدا را دارد، باید دوستان او را نیز دوست بدارد. در زیارت جامعه می‌خوانیم: «مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ؛ کسی که شما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و هر که با شما دشمنی کند، خدا را دشمن داشته است.» اگر کسی خدا را یاری کند مشمول نصرت پروردگار و امدادهای غیبی او می‌شود.

در زمان حاضر یگانه حجت و ذخیره الهی (بقیه الله) و تنها جانشین رسول خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَجَدَ مَبَارَكًا وجود مبارک امام زمان، حجت بن الحسن عَلَيْهِ السَّلَامُ است که: «يَجِلُّ خَلَالَ اللَّهِ وَ يَحْرِمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يَقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَدْبُ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ؛ حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می‌کند و حدود الهی را به پا می‌دارد و از دین خدا دفاع می‌کند و به راه خدا با حکمت و موعظه نیکو دعوت می‌کند.»<sup>۲</sup>

پس وظیفه ما در قبال ایشان آن است که او را به هر شکل ممکن یاری دهیم که این خود یاری خداست و همان چیزی است که خداوند در برابر آن، وعده نصرت به بندگانش را داده است.

در دعای عهد بعد از آن که به خدا عرض می‌کنیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَرْوُلُ أَبَدًا؛ خداوند! من بامداد

۱. محمد: ۷.

۲. الغيبة للنعماني، ص: ۲۱۸.

امروز که در آن به سر می‌برم و تا زنده‌ام عهد، عقد و بیعتی که برای او برگردن من است را با امام خویش تجدید می‌کنم، و هیچ گاه آن را از نظر دور نمی‌دارم و از یاد نمی‌برم» از خدای عالم می‌خواهیم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ؛ خدایا ما را از انصار و یاران او قرار بده» و این نشان از جایگاه رفیع یاری‌گری امام دارد.

در حدیث قدسی خداوند تعالی فرمود: «أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ الْقَوَّامُونَ بِحَقِّي وَأَفْضَلُهُمْ لَدَيَّ وَأَكْرَمُهُمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الْوَرَى وَأَكْرَمُهُمْ وَأَفْضَلُهُمْ بَعْدَهُ عَلَيَّ أَخُو الْمُصْطَفَى الْمُرْتَضَى ثُمَّ مَنْ بَعْدَهُ مِنَ الْقَوَّامِينَ بِالْفِسْطِ مِنَ أُمَّةِ الْحَقِّ وَأَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدَهُمْ مَنْ أَعَانَهُمْ عَلَيَّ حَقَّهُمْ وَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ بَعْدَهُمْ مَنْ أَحَبَّهُمْ وَأَبْغَضَ أَعْدَاءَهُمْ وَإِنْ لَمْ يَمُكِّنْهُ مَعُونَتُهُمْ؛ محبوب‌ترین بندگان نزد من کسانی هستند که حق مرا برپا داشته‌اند. و برترین و گرامی‌ترین این افراد نزد من محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که آقای خلاق می‌باشد و بعد از او گرامی‌ترین و با فضیلت‌ترین بندگان برادر محمد مصطفی، علی مرتضی عَلَيْهِ السَّلَام است و پس از علی، دیگر امامان راستین عَلَيْهِمُ السَّلَام که حق را به پا می‌دارند، هستند. بعد از ایشان، برترین مردم کسانی هستند که آنان (پیامبر و ائمه) را برای دستیابی به حقشان یاری می‌کنند. در درجه بعد محبوب‌ترین آفریدگان در پیشگاه من کسانی هستند که هرچند یاری پیامبر و امامان برایشان ممکن نباشد، ولی آنان را دوست دارند و از دشمنان آن‌ها بیزارند.»<sup>۳</sup> از این کلام خداوند متعال درمی‌یابیم که بالاترین درجه‌ای که یک انسان می‌تواند به دست آورد، یاری حجت الهی است و کسی که با وجود محبت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و بغض دشمنان ایشان، امکان یاری‌گری ولی‌الله زمان خود را ندارد؛ در رتبه بعدی قرار دارد.

پس از این که اهمیت و ارزش یاری امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را دانستیم این سؤال پیش می‌آید که در دوران غیبت چگونه می‌توان حضرتش را یاری کرد و موجبات رضایت ایشان را فراهم نمود.

## ۱. گفتاری

### ۱. دعوت به سوی امام زمان علیه السلام

هر شیعه‌ای که نعمت وجود امام زمان را درک کرده و شیرینی انس با ایشان را چشیده باشد، وظیفه دارد این حلاوت و شیرینی را به دیگران هم بچشاند و این نعمت عظیم الهی را به دیگران متذکر شود تا خدای ناکرده دچار کفران نعمت نشوند و در پیشگاه خداوند شرمسار نگردند که فرمود: «ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ؛ سپس در آن روز از نعمت‌هایی که داشته‌اید بازپرسی خواهید شد.»<sup>۴</sup> امام صادق علیه السلام فرمود منظور از این نعمت ما هستیم.<sup>۵</sup>

در آیه ۳۲ سوره مائده خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا؛ هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته؛ و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.» حیات بخشیدن به یک انسان گاهی به این صورت است که دست شخصی را که در حال غرق شدن در دریا است، بگیری و او را به ساحل برسانی. گاهی نیز دست انسانی که در دریای پر تلاطم آخرالزمان در حال غرق شدن در شبهات و شهوات است را در دست امام زمان علیه السلام می‌گذاری تا سوار بر کشتی نجات آل محمد علیهم السلام شده و به ساحل نجات برسد.

آشنا کردن مردم با امام زمان و هدایت دل‌های رمیده، به سوی ایشان، نزد خداوند ثوابی بزرگ خواهد داشت. امام حسین علیه السلام فرمودند: «مَنْ كَفَلَ لَنَا يَتِيمًا قَطَعَتْهُ عَنَّا مَحَبَّتُنَا بِاسْتِئْذَانِنَا فَوَاسَاهُ مِنْ عُلُومِنَا الَّتِي سَقَطَتْ إِلَيْهِ حَتَّى أَرْشَدَهُ وَهَدَاهُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا أَيُّهَا الْعَبْدُ الْكَرِيمُ الْمُوَاسِي أَنَا أَوْلَى بِالكَرَمِ مِنْكَ اجْعَلُوا لَهُ يَا مَلَائِكَتِي فِي الْجَنَانِ بَعْدَ كُلِّ حَرْفٍ عِلْمَهُ أَلْفَ أَلْفٍ قَصْرٍ وَ صُمُّوا إِلَيْهَا مَا يَلِيقُ بِهَا مِنْ سَائِرِ النَّعِيمِ؛ هر کس یتیمی از ما را که به سببِ در خفا و غایب بودن ما، به ما دسترسی ندارد، سرپرستی کند و از علوم ما که نصیب او شده است در اختیار وی بگذارد و او را

۴. تکاثر: ۸.

۵. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۸، ح ۱۰.

راهنمایی و هدایت کند، خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: ای بنده کریم و غم‌خوار! من به کرم و بخشندگی از تو سزاوارترم. ای فرشتگان من! به تعداد هر حرفی که به او آموخته است، هزار هزار قصر در بهشت‌ها برایش بسازید و از دیگر نعمت‌هایی که در خور این قصرهاست به آنها اضافه کنید.<sup>۶</sup>

در مسیر یاری امام زمان علیه السلام و زنده کردن نام و یاد حضرت در جامعه توجه به دو نکته ضروری است:

اولاً باید از ابزار مناسب (وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَنْطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید.)<sup>۷</sup> و روش‌های گوناگون (أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن.)<sup>۸</sup> بهره برد.

ثانیاً حرف خود را با عمل صالح همراه کنیم تا اثربخشی آن بیشتر شود. «وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمَلٍ صَالِحاً وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ چه کسی خوش‌گفتارتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: من از مسلمانانم.»<sup>۹</sup> بر اساس این آیه شریفه «هیچ‌کس سخنش از داعیان به سوی الله و منادیان توحید بهتر نیست، همان منادیانی که با عمل صالح خویش دعوت زبانی خود را تاکید و تثبیت می‌کنند و با اعتقاد به اسلام و تسلیم در برابر حق بر عمل صالح خویش صحه می‌گذارند.»<sup>۱۰</sup> پس زمانی هم که مردم را دعوت به سوی ولی خدا می‌کنیم (که دعوت به سوی امام زمان علیه السلام هم در واقع دعوت به سوی خدا است) باید همراه با عمل صالح و اعتقاد راسخ و تسلیم در برابر حق باشد تا سخن ما شیرین، دل‌نشین و نیکو شود.

حضرت علی علیه السلام با یک مسیحی همسفر شدند. زمانی که به یک دوراهی رسیدند و هر یک باید از راهی می‌رفت؛ امیرالمؤمنین علیه السلام در مسیر شخص مسیحی حرکت کرد. آن فرد مسیحی به ایشان عرض کرد: راه شما از این طرف نیست و باید از آن جاده بروید. امام فرمود: می‌دانم، لکن اسلام

۶. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۵.

۷. انفال: ۶۰.

۸. نحل: ۱۲۵. و در زیارت جامعه آمده: «أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ وَ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ؛ شما بزرگ و استوارترین طریق.»

۹. فصلت: ۳۳.

۱۰. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۷۸.

سفارش کرده است که هرگاه دو نفر همسفر شدند، نسبت به یکدیگر حقی پیدا می کنند و من خواستم مقداری شما را بدرقه کنم. مسیحی به خاطر این برخورد حضرت، مسلمان شد.<sup>۱۱</sup>

حجة الاسلام و المسلمین قرائتی می فرماید: قرار بود در نماز جمعه شیراز صحبت کنم. امام جمعه فرمود: امروز کارگران نمونه می آیند، شما آنان را تشویق کنید. عرض کردم شما باید ... ایشان اصرار کرد و من پذیرفتم. در پایان سخنرانی گفتم: من سال ها این حدیث را برای مردم خوانده ام که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دست کارگر را می بوسید؛ لذا کارگران نمونه را به جایگاه دعوت کردم و دست آن ها را بوسیدم. مردم گفتند: این دست بوسی شما که به روایت عمل کردی، اثرش بیشتر از سخنرانی بود.

این نوع از عملکرد در واقع عمل به این فرمان امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام است که می فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْإِحْتِهَادَ وَ الصِّدْقَ وَ الْوَرَعَ؛ مردم را بدون زبان خود به سوی ما بخوانید. آنها اگر از شما عبادت، راستی و ورع را دیدند متوجه ما می شوند.»<sup>۱۲</sup>

## ۲. دفاع از حریم دین و پاسخگویی به شبهات

در این روزگار پر از فتنه یکی از بزرگ ترین و مهم ترین کارهایی که در نصرت و یاری حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام می توان انجام داد، دفاع از دین و ولایت است. امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در توقیعی که به شیخ مفید نوشته اند، برای او چنین دعا می کنند: «أَدَامَ اللهُ تَوْفِيْقَكَ لِنُصْرَةِ الْحَقِّ وَ أَجْزَلَ مَثُوبَتِكَ عَلَي نُظْمِكَ عَنَّا بِالصِّدْقِ؛ خدا توفیقات تو را برای یاری حق مستدام بدارد و به خاطر سخنانی که با صداقت از جانب ما می گویی، پاداش تو را افزون گرداند.»<sup>۱۳</sup> این دعا بیان گر ارزش و اهمیت دفاع از حریم دین و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است. امروزه شبهات بسیاری بر علیه دین و مذهب از سوی وهابیت، بهائیت، یهودیت، مسیحیت تبشیری، فرقه های نوظهور (مثل احمد الحسن و هاشمی خراسانی) و معنویت های نوپدید (مثل قانون جذب، چاکرا، یوگا و شکرگزاری) ایمان شیعیان و منتظران را نشانه گرفته است. از این روی، لازم است هر کسی به هر طریقی که می تواند با سخنرانی، تألیف کتاب و مقاله، فعالیت در فضای مجازی و ساخت فیلم، کلیپ و سرود در جهاد تبیین ایفای نقش

۱۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۷.

۱۲. بحار الانوار، ج ۶۷، ص: ۳۰۹.

۱۳. الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

کند و نام خود را در فهرست مدافعان حریم ولایت ثبت کند که در دعای عهد از خدا می‌خواهیم  
«وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ» یعنی خدایا من را مدافع امام زمان و بلاگردان آن حضرت قرار بده.

محمی الدین اربلی می‌گوید: روزی در خدمت پدرم بودم. مردی نزد او بود و چرت می‌زد. در آن حال  
عمامه از سرش افتاد و جای زخم بزرگی در سرش نمایان شد. پدرم علت آن زخم را پرسید. گفت:  
این زخم را در جنگ صفین برداشتم. گفتند: تو کجا و جنگ صفین کجا؟! گفت: وقتی به مصر می  
رفتم، مردی با من همسفر شد، در بین راه درباره جنگ صفین صحبت شد، همسفرم گفت: اگر  
من در صفین بودم شمشیرم را از خون علی و یارانش سیراب می‌کردم. من هم گفتم: اگر من در  
میدان صفین بودم شمشیر خود را از خون معاویه و یارانش سیراب می‌کردم و اینک من و تو از  
یاران علی و معاویه ملعون هستیم، بیا با هم جنگ کنیم. در آن حال با هم در آویختیم و زد و  
خورد مفصلی کردیم. یک وقت متوجه شدم که بر اثر زخمی که به سرم رسیده دارم از هوش می  
روم. در آن اثنا دیدم شخصی مرا با گوشه نیزه اش به هوش آورد. چون چشم باز کردم، از اسب  
پایین آمد و دست روی زخم سرم کشید و بهبود یافت. ایشان فرمودند: همین جا بمان، و سپس  
ناپدید شد. آن گاه در حالی که سر بریده همسفرم را در دست داشت ظاهر شد و فرمود: این سر  
دشمن توست، تو به یاری ما برخاستی ما هم تو را یاری کردیم چنان که هرکس خدا را یاری کند  
خدا او را نصرت می‌دهد. پرسیدم: شما کیستید؟ فرمود: صاحب الامر. آن گاه فرمود: هرکس از تو  
پرسید این زخم چه بوده بگو این زخمی است که در صفین برداشته ام.<sup>۱۴</sup>

از همین رو است که در روایات منتظران واقعی (منتظر فعال نه منفعل) به مجاهدان در راه خدا،  
شهادا و کسانی که در خیمه امام زمان علیه السلام هستند، تشبیه شده اند.<sup>۱۵</sup>

وجود عالمان، مبلغان و مدافعان از حریم دین آن قدر اهمیت دارد که امام هادی علیه السلام فرمودند:  
«اگر بعد از غیبت قائم ما علمایی وجود نداشتند که مردم را به سوی او دعوت کنند و به وجود او  
رهنمون شوند و با حجت‌های الهی از دین او دفاع کنند و بندگان ناتوان خدا را از دام‌های ابلیس

۱۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۷۵.

۱۵. الْمُنتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِيهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ح ۷) - سن، المحاسن [ابن فضال] عَنْ عَلِيِّ بْنِ  
عُقْبَةَ عَنْ مُوسَى الثَّمِيرِيِّ عَنْ عَلَاءِ بْنِ سَيَابَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا لَهُ كَانَ كَمَنْ كَانَ فِي قُسْطَاطٍ  
الْقَائِمِ ع. (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ح ۱۵)

و پیروان او برهانند و از دام های ناصبی ها نجات بخشند؛ کسی در دین خدا پا برجا نمی ماند و همه مرتد می شدند، ولی آنان رهبری دل های شیعیان ضعیف را با قدرت در دست می گیرند و حفظ می کنند، چنان که ناخدای کشتی، سکان و فرمان کشتی را نگاه می دارد. آنان نزد خدا والاترین انسان ها هستند.»<sup>۱۶</sup>

در همین زمینه امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْأَيْتَامِ وَ الْمَسَاكِينِ؛ و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید»<sup>۱۷</sup> فرمودند: «و اما این که خدای عزّ و جلّ فرموده "و یتیمان" (به یتیمان نیکی کنید) به درستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: "خداوند عزّ و جلّ نیکی به یتیمان را تأکید فرموده؛ چون از پدرهایشان جدا شده اند. پس هر آن که آنان را حفظ و نگهداری کند، خداوند او را مصون خواهد ساخت و هر کس آنان را گرامی بدارد، خداوند او را گرامی خواهد داشت و هر کس از روی مهر دست خود را بر سر یتیمی بکشد، خداوند برای او در بهشت به هر مویی که از زیر دستش گذشته کاخی قرار دهد که از دنیا و هر چه در آن است بزرگ تر باشد، و در آن است آنچه دل ها اشتهای دارند و دیده ها لذت برند و آن ها در آن جاودانند." و امام علیه السلام فرمود: "و سخت تر از این یتیمی، حال آن یتیم است که از امامش جدا گردد، نتواند به حضور او برسد و نداند حکم او در آنچه از شرایع و احکام دینش دچار می گردد چیست. توجه کنید هر آن که از شیعیان ما علوم ما را بداند، و کسی که نسبت به شریعت ما جاهل و از دیدن ما محروم مانده است را هدایت نماید، یتیمی بر دامان نشانیده است. آگاه باشید که هر کسی او را هدایت و ارشاد کند و شریعت ما را به او بیاموزد، در رفیق اعلی [منزلگاه مخصوص بهشت] با ما خواهد بود. این را پدرم از پدرانم از رسول خدا برایم گفته است.»<sup>۱۸</sup>

۱۶. الإمام الهادی علیه السلام: لَوْلا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِنَا عليه السلام مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ ، وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ ، وَ الذَّابِّينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ ، وَ الْمُتَقَدِّينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ ، وَ مِنْ فِخَاخِ النَّوَاصِبِ ، لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا أَرْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ . وَ لَكُنْهُمْ الَّذِينَ يَمْسُكُونَ أَرْمَةً قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يَمْسُكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سَكَانَهَا ، أَوْلَتْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ . (احتجاج، ج ۲، ص ۵۰۲؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۵۲)

۱۷. بقره: ۸۳.

۱۸. التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری عليه السلام ، ص ۳۳۸، ح ۲۱۳ و ۲۱۴.

هدایت و راهنمایی مردم به سوی نور و حل شبهات دینی آن‌ها از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند برای آن پاداشی بس عظیم قرار داده است. روزی یک زن به حضور فاطمه علیها السلام شرفیاب شد و به آن حضرت عرضه داشت: من مادر ناتوانی دارم که در امر نمازش مسایلی بر او مشتبه گردیده است و مرا به خدمت شما فرستاده تا آن‌ها را از شما بپرسم. پس حضرت سؤال اولش را پاسخ دادند. او سؤال دیگری مطرح کرد و آن حضرت جواب دادند. سپس سومین بار سؤال کرد و پاسخ شنید. همین‌طور تا ده سؤال مطرح نمود و جواب گرفت. آن‌گاه از کثرت سؤال خجالت کشید و عرضه داشت: ای دخت رسول خدا! دیگر زحمتتان نمی‌دهم. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: بگو و از آنچه می‌خواهی سؤال کن. آیا اگر کسی یک روز اجیر شود که بار سنگینی را به بام ببرد، و کرایه اش صد هزار دینار باشد آیا بر او سنگینی می‌کند؟ آن زن گفت: هرگز. حضرت فرمودند: من برای هر مسئله [که جواب می‌دهم] بیش از مقدار مرواریدی که زمین تا عرش را پُر کند اجرت دارم؛ پس سزاوار است که بر من سنگینی نکند. شنیدم پدرم می‌فرمود: همانا علمای شیعیان ما در حالی محشور می‌شوند که بر آن‌ها از خلعت‌های کرامت به قدر بسیاری علومشان و کوشششان در راه ارشاد بندگان خدا عنایت می‌شود، تا آن‌جا که بر یکی از ایشان یک میلیون خُله از نور پوشانیده می‌شود سپس منادی پروردگاران بانگ می‌زند: ای عهده داران یتیمان آل محمد که آنان را پس از جدا شدنشان از پدرانشان، که امامان آن‌ها بوده‌اند، پرورش داده‌اید؛ اینان شاگردان شمایند و یتیمانی که تحت تکفل گرفتید و فقرشان را جبران کردید، پس بر ایشان خلعت‌های علمی را که در دنیا به آنان آموخته‌اید بیپوشانید. آن‌گاه بر هر کدام از آن ایتام به مقداری که از علوم آن‌ها را فرا گرفته‌اند، خلعت می‌بخشند؛ تا جایی که در بین آن‌ها (یتیمان) کسی هست که صد هزار خلعت به او داده می‌شود. و هم چنین این ایتام به کسانی که از آن‌ها چیزی آموخته‌اند خلعت‌هایی می‌بخشند. سپس خدای تعالی می‌فرماید: بر این علمایی که متکفل یتیمان بوده‌اند بار دیگر خلعت دهید تا خلعت‌های یتیمان را تمام نمایند. و آنها این خلعت‌ها را چند برابر می‌کنند. پس آنچه را پیش از آن‌که بر یتیمان بخشند به آنان عطا شده بود بار دیگر خلعت‌هایی عطا می‌گردد. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: ای کنیزِ خداوند، به درستی



که یک تار از آن خلعت‌ها از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد (دنیا) یک میلیون بار بهتر و برتر است؛ زیرا که این [امور دنیا] به کم شدن و ناراحتی آمیخته است.»<sup>۱۹</sup>

تبیین دین و دفاع از آن در دوران غیبت امام زمان علیه السلام از حساسیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که در این دوره به دلیل عدم وجود ظاهری امام و عدم دسترسی به ایشان خرافات، بدعت‌ها و شبهات بیشتر در جامعه رواج پیدا می‌کند و این امر مسئولیت ما را بیشتر می‌کند. از سید مرسلین صلی الله علیه و آله روایت شده که: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ وَالْإِلَّا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ؛ چون بدعت در امت من پدیدار شود، باید عالم علم خود را آشکار کند و گرنه لعنت خدا و فرشته‌ها و همه مردم بر او باد.»<sup>۲۰</sup>

اگر انسان مؤمن با احساس مسئولیت و برای رضایت خدا و امام زمان علیه السلام در این مسیر قدم بردارد، بدون شک خداوند او را یاری خواهد کرد و بر دشمنان غلبه خواهد یافت: قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتَيْنِ التَّتَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُوَدُّ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ؛ در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر) با هم روبه‌رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود. یک گروه در راه خدا نبرد می‌کرد و جمع دیگری که کافر بود (در راه شیطان و بت) در حالی که آنها (گروه مؤمنان) را با چشم خود دو برابر آنچه بودند، می‌دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد.) و خداوند هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) با یاری خود تأیید می‌کند. در این عبرتی است برای بینایان.»<sup>۲۱</sup>

در غدیر خم هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمان خداوند، امیرالمؤمنین علیه السلام را به خلافت خویش نصب فرمود، حسان به پیامبر عرض کرد: اجازه می‌دهید شعری بگویم؟ پیامبر اجازه فرمود و او شعری در رابطه با غدیر و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام سرود.<sup>۲۲</sup> بعد از سرودن این شعر پیامبر به حسان

۱۹. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۷، ح ۲۲.

۲۰. بحار الأنوار، ج ۵۴، ص ۲۳۴.

۲۱. آل عمران: ۱۳.

۲۲. يَنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيِّهِمْ  
وَقَالَ قَمَنْ مَوْلَاكُمْ وَوَلِيكُمْ  
إِلَهُكُمْ مَوْلَانَا وَأَنْتَ وَوَلِينَا  
فَقَالَ لَهُ قُمْ يَا عَلِيُّ فَإِنِّي  
قَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا وَوَلِيهِ  
هَذَا دَعَا اللَّهُمَّ وَالِ وَوَلِيهِ  
بِخَمٍّ وَ أَسْمِعْ بِالرَّسُولِ مُنَادِيَا  
فَقَالُوا وَ لَمْ يَبْدُوا هُنَاكَ التَّعَادِيَا  
وَ لَنْ تَجِدُنْ مِنَّا لَكَ الْيَوْمَ عَاصِيَا  
رَضِيَّتِكَ مِنْ بَعْدِي إِمَامَا وَ هَادِيَا  
فَكُونُوا لَهُ أَنْصَارَ صِدْقِي مَوَالِيَا  
وَ كُنْ لِلذِّي عَادَى عَلِيًّا مُعَادِيَا

فرمود: «لَا تَزَالُ يَا حَسَّانُ مُؤَيَّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ مَا نَصَرْتَنَا بِلِسَانِكَ؛ تا وقتی که با زبانت ما را یاری می کنی روح القدس یاور تو باشد».<sup>۲۳</sup>

نکته بسیار مهمی که در دفاع از حریم دین و پاسخ‌گویی به شبهات وجود دارد آن است که این یاری‌گری باید همراه با معرفت باشد. به عبارت دیگر انسان باید ابتدا خودش را مجهز به معرفت و شناخت دین کند و سپس برای یاری دین اقدام کند تا عمل او مؤثر واقع شود. با بررسی تاریخ درمی‌یابیم که در میان مسلمانان، کسانی که نسبت به امام خویش معرفت بیشتر و عمیقتری داشتند، در برابر امام تسلیم‌تر بودند و در زمان فتنه‌ها از امام خود جدا نشدند. افرادی چون سلمان فارسی، ابوذر و مقداد برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛ مالک اشتر و عمّار یاسر برای امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و یاران باوفای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام بیش از ۴ هزار شاگرد داشت، ولی در میان این شاگردان وقتی چشمش به «هشام بن حکم» می‌افتد، شاد می‌شد و او را در کنار خودش جا می‌داد. اگر چه در میان شاگردان و اصحاب ایشان افراد بسیار بزرگی همچون زراره بن اعین، ابان بن تغلب، قیس ماصر، حمران بن اعین وجود داشتند، ولی «هشام بن حکم»، که ۱۷-۱۸ سال بیشتر ندارد، در دفاع از ولایت، و در حوزه مناظره با مخالفان و پاسخ‌گویی به شبهات معاندان، از همه قوی‌تر و بالاتر بود. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره هشام فرمود: «نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ؛ با دل و زبان و دست یاری‌گر ما است.» یونس بن یعقوب می‌گوید روزی نزد امام صادق بودم که مردی از اهل شام بر آن حضرت وارد شده و درخواست مناظره با اصحاب آن حضرت را کرد. امام پس از مناظره‌ای بسیار کوتاه با آن شخص، فرمود: ای یونس! اگر علم کلام را خوب می‌دانستی با او مناظره می‌کردی.<sup>۲۴</sup> سپس حضرت به حمران بن اعین، احول، هشام بن سالم و قیس ماصر دستور داد تا با او مناظره کنند. برخلاف آن‌که اکثر آن‌ها توانستند بر آن شخص پیروز شوند، اما حضرت از روش مناظره همه آنان اشکالی گرفت و در ادامه از هشام بن حکم خواست تا با آن مرد شامی مناظره کند. پس از پایان مناظره، امام درباره ویژگی هشام می‌فرماید: «يَا هِشَامُ لَا تَكَادُ تَفْعُ تَلْوِي رَجُلِكَ إِذْ هَمَمْتَ بِالْأَرْضِ طُرَتْ مِثْلَكَ فَلْيَكَلِّمِ النَّاسَ اتَّقِ الرَّزَّةَ وَ الشَّفَاعَةَ مِنْ وَرَائِكَ؛ ای هشام! تو با هر دو پا به زمین نمی‌خوری

۲۳. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۱، ص ۱۷۷.

۲۴. این سخن حضرت بیانگر آن است که بدون علم نباید وارد بحث با مخالفان شد.

(یعنی چنان نیستی که در پاسخ بمانی و هیچ گونه جوابی نداشته باشی) تا می خواهی به زمین بیافتی، پرواز می کنی (یعنی به محض این که به شکست نزدیک می شوی، خودت را نجات می دهی)، همچون تویی [آگاه و بصیر] باید با مردم سخن بگویدی. خود را از لغزش نگه دار و شفاعت [ما] به دنبال تو است.»<sup>۲۵</sup>

در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره ویژگی های یاران امام مهدی علیه السلام بر مسأله معرفت عمیق یاران و اطاعت کامل و بی چون و چرای ایشان تأکید شده است: «رَجَالٌ كَانَتْ قُلُوبُهُمْ زُبُرَ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ ... يَتَمَسَّحُونَ بِسَرَجِ الْإِمَامِ عِ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبِرْكَاتِ وَ يُحْفُونَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُزْبِ وَ يَكْفُونَهُ مَا يَرِيدُ؛ مردانی هستند که دل های آن ها مانند پاره های آهن [محکم] است. در ایمان شان به خدا دچار شک و تردید نمی شوند ... آن ها برای تبرک، بدن خود را به زین اسب امام می ساینند و در جنگ ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می کنند و هر کاری داشته باشد برایش انجام می دهند.»<sup>۲۶</sup>

حضرت ولی عصر علیه السلام در توقیعی به شیخ مفید ایشان را با ویژگی «الْمَخْصُوصُ فِينَا بِالْيَقِينِ» یاد می کند یعنی تو در معرفت و شناخت امام خود به مرحله ای رسیده ای که یقین به وجود آن حضرت داری. وقتی انسان با یقین، حلاوت نعمت وجود امام زمانش را درک کند، می تواند این شیرینی را به دیگران نیز بچشاند و آن ها را به سوی امام خود دعوت کند.

### ۳. دعا

یکی از روش های یاری امام، دعا نمودن برای ایشان است. دعا برای نابودی دشمنان و غلبه بر مخالفان، دعا برای تقویت دین داران و اولیاء دین و دعا برای سلامتی امام زمان علیه السلام و تعجیل در فرج ایشان. دعا یکی از مؤثرترین راه ها برای جلب لطف و رحمت الهی است. آنگاه که انسان دست نیاز به سوی خالق بی نیاز دراز می کند و عاجزانه از درگاه الهی طلب کمک می کند، خدای مهربان نیز با نگاه رحیمانه خود رو به سوی بنده اش نموده و پاسخ او را می دهد. در سوره بقره می فرماید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ؛ و هنگامی که بندگان من از تو در

۲۵. الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۶۴.

۲۶. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

باره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم. دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم.»<sup>۲۷</sup> در این آیه شریفه خداوند از نزدیک بودن خود به بندگان سخن می گوید و می فرماید زمانی که او را صدا بزنیم، پاسخ ما را خواهد داد.

اسحاق بن یعقوب از محمد بن عثمان عمری (دومین نایب خاص امام زمان) خواست تا سؤالات او را خدمت حضرت مهدی علیه السلام برساند و پاسخ آن را برایش بیاورد. در بخشی از نامه ای که حضرت نوشته بودند، فرمودند: «وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ؛ برای تعجیل در فرج من بسیار دعا کنید؛ چرا که گشایش کار شما در همان است».<sup>۲۸</sup> خواسته امام زمان علیه السلام از ما این است که برای فرج ایشان بسیار دعا کنیم یعنی دعای ما برای تعجیل در فرج فصلی و موسمی نباشد که گاه گاهی به یاد ایشان باشیم و دعا کنیم، بلکه باید پیوسته به یاد حضرت بود و همیشه و در همه لحظات زندگی، به هر بهانه ای، یاد آن حضرت را در دل خود زنده کرد.

اگر همه عاشقان حضرت مهدی علیه السلام خاضعانه و از صمیم دل برای ظهور ایشان دعا کنند، خداوند در امر ظهور تعجیل خواهد کرد و آن منجی بزرگ عالم خواهد آمد. مرحوم فشندی تهرانی می گوید: «در مسجد جمکران اعمال را به جا آورده، به همراه همسر بر می گشتم. در راه آقای نورانی را دیدم که داخل صحن شده، قصد دارند به طرف مسجد بروند. با خود گفتم: این سید در این هوای گرم تابستان تازه از راه رسیده و حتماً تشنه است. به طرف سید رفتم و ظرف آبی را به ایشان تعارف کردم. [سید آب را نوشید] و ظرف آن را برگرداند در این حال عرضه داشتم: آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواهید تا امر فرج ایشان نزدیک شود. آقا فرمودند: "شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی خواهند. اگر بخواهند، دعا می کنند و فرج ما می رسد." این سخن را فرمود و تا نگاه کردم کسی را ندیدم. فهمیدم که وجود اقدس امام زمان علیه السلام را زیارت کرده ام و حضرتش امر به دعا کرده است.»<sup>۲۹</sup>

۲۷. بقره: ۱۸۶.

۲۸. إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۵۲.

۲۹. شیفتگان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ج ۱، ص ۱۵۵.

## ب. رفتاری

### ۱. اخلاص

مهم ترین نکته در رفتار یک انسان منتظر آن است که آن‌ها را برای رضای خداوند و ولی او انجام دهد که این خود از بهترین نعمت‌های الهی برای بندگان است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى عَبْدٍ أَجَلَ مِنْ أَنْ لَا يَكُونَ فِي قَلْبِهِ مَعَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ غَيْرُهُ؛ بزرگترین نعمتی که خداوند به يك بنده عطا کرده آن است که در دل او، همراه با خدا شخص دیگری نباشد.»<sup>۳۰</sup> اگر انسان به مقام مخلصین رسید، دعایش هم مستجاب می‌شود.

سعید بن مسیب می‌گوید: سالی قحطی شد و مردم از شهر بیرون رفته تا در طلب باران دعا کنند. در آن میان دیدم غلامی سیاه از مردم جدا شد و بالای تپه ای رفت. به دنبالش رفتم و دیدم لب‌های خود را حرکت می‌دهد و هنوز دعای او تمام نشده بود که ابری از آسمان ظاهر شد. غلام سیاه چون نظرش بر آن ابر افتاد، حمد خدا را کرد و از آنجا رفت. باران ما را فروگرفت به حدی که گمان کردیم ما را از بین خواهد برد.

من به دنبال آن غلام رفتم و دیدم به خانه امام سجاد علیه السلام رفتم. خدمت امام رسیدم و عرض کردم: در خانه شما غلام سیاهی است، منت بگذارید ای مولای من و به من بفروشید. فرمود: ای سعید چرا به تو نبخشم؟ پس امر فرمود بزرگ غلامان خود را که هر غلامی که در خانه است به من عرضه کند. پس ایشان را جمع کرد، ولی آن غلام را در بین ایشان ندیدم. گفتم آن را که من می‌خواهم در بین ایشان نیست. فرمود: دیگر کسی باقی نمانده مگر فلان غلام. پس امر فرمود او را حاضر نمودند. چون حاضر شد دیدم او همان مقصود من است. گفتم: مطلوب من همین است. امام فرمود: ای غلام! سعید مالک توست همراهش برو. غلام رو به من کرد و گفت: چه چیزی ترا سبب شد، که مرا از مولایم جدا ساختی؟ گفتم: به سبب آن چیزی که از استجابت دعای باران تو دیدم. غلام این را شنید دست ابتهال به درگاه حق بلند کرد و رو به آسمان نمود و گفت: ای پروردگار من! رازی بود بین تو و من، الان که آن را فاش کردی پس مرا بمیران و به سوی خود ببر.

امام و کسانی که در آن جا حاضر بودند، از حال غلام گریستند و من با حال گریان بیرون آمدم. وقتی به منزل رسیدم، فرستاده امام آمد و گفت اگر می‌خواهی به جنازه غلام حاضر شوی بیا. برگشتم و دیدم آن غلام وفات کرده است.

در عظمت اخلاص همین بس که خداوند آن را مخصوص بندگان محبوب خود می‌داند. در حدیثی قدسی می‌خوانیم که خداوند متعال می‌فرماید: «الْإِخْلَاصُ سِرٌّ مِنْ أَسْرَارِي اسْتَوْدَعْتُهُ قَلْبَ مَنْ أَحَبَبْتُ مِنْ عِبَادِي؛ اخلاص سری از اسرار من است و من آن را در قلب بندگان که دوستشان می‌داشتم به امانت گذاشتم.»<sup>۳۱</sup> لذا امام مهدی علیه السلام در نامه ای که به شیخ مفید رحمته الله می‌نویسد، اخلاص را اولین ویژگی او برمی‌شمارد و می‌فرماید: «سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَوْلَى الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ؛ سلام بر تو ای دوست مخلص در دین.»<sup>۳۲</sup>

نقل شده که آیه الله بروجردی رحمته الله پیش از وفاتشان خیلی ناراحت بودند و می‌گفتند: «عمر ما گذشت و ما رفتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش بفرستیم و عملی انجام دهیم.» يك نفر به ایشان گفت: «آقا شما دیگر چرا؟! این حرف‌ها را ما بیچاره‌ها باید بزنیم، شما چرا؟ بحمدالله شما این همه آثار خیر از خود باقی گذاشته‌اید، این همه شاگرد تربیت کرده‌اید، این همه آثار کتبی به یادگار گذاشته‌اید، مسجدی به این عظمت ساخته‌اید، مدرسه‌ها در کجا و کجا ساخته‌اید و . . .» وقتی این را گفت، آیه الله بروجردی این نصیحت لقمان به فرزندش را فرمودند که «وَأَخْلِصِ الْعَمَلَ فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ؛ عمل را خالص کن که همانا کسی که [این اعمال را] ارزش یابی می‌کند، بسیار بینا است.»<sup>۳۳</sup> تو خیال کردی این اعمال که در منطق مردم به این شکل است، حتما در پیشگاه الهی هم همین طور است؟<sup>۳۴</sup>

وقتی خداوند حضرت آدم علیه السلام را خلق کرد و فرمود بر او سجده کنید، همه ملائکه سجده کردند، مگر ابلیس. او گفت خدایا من بهتر از او هستم من از آتش خلق شده‌ام و او از خاک. و به دلیل همین نافرمانی از درگاه الهی رانده شد. پس از این ماجرا او کینه انسان را به دل گرفت و گفت: «فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ؛ به عزتت سوگند، همه آنان را گمراه

۳۱. منیة المرید، ص ۱۳۳؛ الجواهر السنیة، کلیات حدیث قدسی، ص ۳۳۱.

۳۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۳۳. الاختصاص، ص ۳۴۱.

۳۴. تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۳۴.

خواهم کرد، مگر بندگان مخلصت را.»<sup>۳۵</sup> بنابراین این، راه نجات از دام های شیطان و فتنه های آخرالزمان و نیز باقی ماندن در صف یاران امام زمان علیه السلام رسیدن به مقام مخلصین است.

توصیه معصومان علیهم السلام به مؤمنان و مهدی یاوران آن است که تمامی کارهای خود، از کوچک ترین کارها تا بزرگترین و مهم ترین آن ها، را خالصانه و با نیت پاک انجام دهند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ابواذر می فرماید: «يَا أَبَا ذَرٍّ لِيَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ صَالِحَةٌ حَتَّى فِي التَّوْمِ وَالْأَكْلِ؛ ای ابوذرا! بکوش که در هر کار نیت صالح داشته باشی حتی در خوردن و خواب خود.»<sup>۳۶</sup>

مقدس اردبیلی رحمته الله می گوید من در ۴۰ سال از عمرم یک عمل مباح انجام ندادم؛ چون تمام اعمال مباحم را «قربةً الى الله» انجام دادم و مباحات را به مستحبات مبدل کردم. چون رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لِيَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ صَالِحَةٌ حَتَّى فِي التَّوْمِ وَالْأَكْلِ.»

یعنی انسان منتظر که در سر سودای یاری امام اش را دارد باید در همه کارها امام زمان علیه السلام و رضایت ایشان را در نظر داشته باشد و گام های زندگی اش را به گونه ای تنظیم کند که در مسیر زمینه سازی ظهور باشد. مثلا هدف او از خوردن و خوابیدن، جذب انرژی و بازیابی توان و نیرو برای خدمت به امام زمان علیه السلام باشد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ قَبَلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً؛ هر که فرزندش را ببوسد خداوند برای او حسنه می نویسد.»<sup>۳۷</sup> شیخ حسن علی نخودکی رحمته الله تعبیری دارد به این مضمون که شما فرزندت را هم می خواهی ببوسی، اگر برای رضای خدا ببوسی، برای بوسیدن فرزندت خدای عالم به تو پاداش می دهد. در توضیح این کلام می توان گفت مهدی یاوران حتی زمانی که به فرزند خود محبت می کنند و او را می بوسند، قصد دارند تا محبت اهل بیت علیهم السلام را در جان و روح فرزندشان بکارند و او را برای سربازی در سپاه امام زمان علیه السلام آماده کنند.

امام جواد علیه السلام نیز اخلاص را یکی از ویژگی های مهدی یاوران برمی شمرد و می فرماید: «فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا كَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ

۳۵. ص: ۸۲-۸۳.

۳۶. مکارم الأخلاق، ص ۴۶۴.

۳۷. الحکم الزاهره، ص ۴۴۱.

خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا يَزَالُ يُقْتَلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛ زمانی که این تعداد از مردم (سیصد و سیزده نفر) از اهل اخلاص گرد او جمع شوند، خدا امر او را آشکار می‌کند و زمانی که تعداد آنها يك عقد کامل شد، که ده هزار نفر است، به اذن خدای عزوجل خروج کند و پی در پی دشمنان خدا را می‌کشد تا خدای عزوجل راضی گردد.»<sup>۳۸</sup>

## ۲. رعایت تقوا

ارتکاب گناهان و کارهای زشت از سوی مؤمنان کاری ناپسند است که اگر از ناحیه کسانی که منتسب به امام زمان علیه السلام هستند، سر بزند، زشتی آن دوچندان می‌شود. معصیت شیعیان آبروی امام زمان علیه السلام را نزد بیگانگان به خطر می‌اندازد و دل ایشان را آزرده می‌سازد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا؛ برای ما زینت باشید و بر ما عار نباشید.»<sup>۳۹</sup> کسی که می‌خواهد امام زمان علیه السلام را یاری کند و آرزو دارد جزء سربازان ایشان باشد، باید تلاش کند تا اولاً گناهان را ترک کند و پس از آن مکروهات را کنار گذاشته و در نهایت از امور مباح نیز بپرهیزد. روزی شاگردان سید بحر العلوم رحمته الله دیدند ایشان خیلی خوشحال است. پرسیدند: آقا موضوع چیست؟ گفت: ۲۵ سال است که دارم تلاش می‌کنم برای این که یک عمل مباح از من سر نزند. امروز احساس کردم به آن مرحله رسیده‌ام.

از جمله توقیعاتی که از جانب حضرت صاحب الزمان علیه السلام صادر شده، نامه‌ای است که در پاسخ محمد بن علی بن هلال کرخی داده‌اند. در این نامه حضرت می‌فرمایند: «أَدَانَا جُهَلَاءُ الشَّيْعَةِ وَ حُمَقَاؤُهُمْ وَ مَنْ دِينُهُ جَنَاحُ الْبُعُوضَةِ أَرْجَحُ مِنْهُ؛ افرادی احمق و جاهل از شیعیان و گروهی که مذهبشان به اندازه بال مگسی ارزش ندارد خاطرهم را آزرده‌اند.»<sup>۴۰</sup>

در بیانی دیگر حضرت ولی عصر علیه السلام می‌فرماید: «فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛ هیچ چیز ما را از ایشان محبوس نمی‌دارد جز اخباری که از ایشان به ما می‌رسد و ما را ناراحت می‌سازد و از ایشان انتظار نداریم.»<sup>۴۱</sup> این جمله گلایه‌ای است که امام از شیعیان خود دارند

۳۸. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸.

۳۹. اعتقادات الإمامية و تصحيح الاعتقاد، ج ۱، ص ۱۰۹. مثل این روایت در أمالی الصدوق، ص ۴۰۰ از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

۴۰. الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۷۴.

۴۱. الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.



و علت فاصله بین خود و شیعیان را کارهایی می دانند که شیعیان مرتکب می شوند و موجبات تألم خاطر آن حضرت را فراهم می کنند. در روایتی امام صادق علیه السلام خطاب به شیعیان زمان خود فرمودند: «مَا لَكُمْ تَسُوءُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛ شما را چه شده که رسول خدا را ناراحت می کنید.» مردی سؤال کرد: «كَيْفَ تَسُوءُوهُ؟ ما [که در این زمان زندگی می کنیم و با زمان پیامبر فاصله زیادی داریم] چگونه ایشان را ناراحت می کنیم؟» حضرت فرمود: «أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَأَى فِيهَا مَعْصِيَةً سَاءَهُ ذَلِكَ فَلَا تَسُوءُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ سُرُوهُ؛ مگر نمی دانید که اعمال شما به ایشان عرضه می شود. وقتی در میان اعمال شما گناهی می بیند، ناراحت می شود. پس رسول خدا را نرنجانید و او را خوشحال کنید.»<sup>۴۲</sup>

بنابر روایات اعمال ما هر هفته به امام زمان علیه السلام عرضه می شود و امام از اخبار و اعمال ما آگاهی دارند. امام مهدی علیه السلام می فرمایند: «فَأَنَا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَائِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ؛ ما احاطه علمی بر تمام خبرهای شما داریم و چیزی از اخبار شما بر ما مخفی نیست.»<sup>۴۳</sup> پس اگر مولای ما گناهی از ما ببیند، یقیناً از ما می رنجد و قلب نازنینش به درد می آید.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در کتاب «مصباح الهدایة و الولاية» می فرماید: «علم امام به عالم هستی از علم عالم هستی بر خودش، قوی تر و نافذتر است.» قوی ترین علم، علم حضوری است، مثل علم انسان به خودش، و علم امام به ما، از علم ما به خودمان بیشتر است.

بزنطی می گوید: «حضرت رضا علیه السلام الاغ خود را برایم فرستاد تا خدمتش برسم. در صریا خدمتش رسیدم. تمام شب را آنجا بودم. پس از شام خوردن فرمود برایم رختخواب بیاورید. بعد فرمودند چه تصمیمی داری؟ آیا همین جا میخوابی؟ عرض کردم: بله فدایت شوم. با دست خود لحافی را به رویم کشید، بعد فرمود شبت به خیر.

ما روی بام بودیم. وقتی آقا پائین رفت با خودم گفتم چه مقام و موقعیتی در نزد امام پیدا کرده ام که هیچ کسی را چنان مقامی نیست. ناگاه يك نفر صدا زد احمد! صدا را نشناختم. چیزی نگذشت که غلام آقا آمده گفت: بیا خدمت مولایم. پائین رفتم دیدم آن جناب به طرف من می آید. فرمود

۴۲ . الکافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴۳ . الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

دستت را به من بده. دست خود را دادم، فشرد و سپس فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام به عیادت و دیدن صعصعه بن صوحان رفت. وقتی خواست از جا حرکت کند، فرمود: صعصعه مبادا عیادت و دیدار من از تو موجب به خود بالیدن تو شود. متوجه خودت باش، مثل اینکه چنین جریانی نیز برای تو پیش آمد. مبادا فریب آرزو را بخوری. تو را به پناه خدا میسپارم و از برایت سلامتی میخواهم.<sup>۴۴</sup>

در مقابل، درستکاری و پرهیزکاری شیعیان و منتظران قلب مولای مهربان ما را شاد می سازد و بدین گونه می توان امام زمان علیه السلام را یاری کرد. امیر مؤمنان فرمود: «أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِفَّةٍ وَسَدَادٍ؛ با پرهیزکاری و تلاش فراوان [در راه خوبی ها] و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید.»<sup>۴۵</sup>

امام مهدی علیه السلام نیز شیعیان را دعوت به اتحاد و اجتماع دل ها در وفای به عهدشان با خدا و اهل بیت می کند تا بدین وسیله راهی به سوی ظهور گشوده شود: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَّهْمُ اللَّهُ لِيَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا؛ و چنانچه شیعیان ما - خدا به طاعت خود موقفشان بدارد - قلباً در وفای به عهدشان اجتماع می شدند نه تنها سعادت لقای ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، که سعادت مشاهده ما با شتاب بدیشان می رسید و اینها همه در پرتو شناخت کامل ما و صداقت محض نسبت بما می باشد.»<sup>۴۶</sup>

با درستکاری و دوری از زشتی ها به جنگ شیطان، که بزرگ ترین دشمن خدا و امام زمان علیه السلام است، می رویم و با تضعیف شیطان و جبهه شیطان صفتان به تقویت جبهه ایمان می پردازیم و این گونه امام خویش را یاری می کنیم. نماز اول وقت، معاشرت صحیح با دیگران، احترام به پدر و مادر، صلح رحم، خوش زبانی، خوش رفتاری، رسیدگی به فقرا و یتیمان، حیا، عفت، حجاب و ... از گونه های یاری کردن امام زمان «عجل الله فرجه» است.

آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.»<sup>۴۷</sup> اهمیت خودسازی و جامعه

۴۴ . بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۲۶۹.

۴۵ . نهج البلاغه، خ ۴۵، و من کتاب له ع إلی عثمان بن حنیف الأنصاری.

۴۶ . الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

۴۷ . رعد: ۱۱.

سازی را برای ما روشن می کند. اگر امام زمان علیه السلام نیکی های خالصانه ما را در مسیر یاری خویش ببیند، ایشان نیز ما را یاری خواهند کرد، برای ما دعا می کنند و آمادگی برای ظهور زودتر حاصل می شود.

### ۳. یاری شیعیان

شیعیان، فرزندان امام زمان علیه السلام محسوب می شوند و علاقه ایشان به شیعیان مانند علاقه پدر به فرزند است. از این روی، گرفتاری های شیعیان دغدغه امام زمان است و با دیدن گرفتاری و ناراحتی آن ها، اندوهگین می شود و با شادی آنان، خرسند می گردد.

در منابع دینی ما یاری و خوشحال کردن مؤمنان همانند یاری و شاد کردن خود آنهاست. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ؛ کسی که مؤمنی را خوشحال کند، مرا خوشحال کرده است و کسی که مرا خوشحال کند، خدا را خوشحال کرده است.»<sup>۴۸</sup>

نجاشی یکی از ثروتمندان بود و فرمانداری اهواز و فارس را بر عهده داشت. مردی از آن ناحیه خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید. عرض کرد: من مالیاتی به نجاشی بدهکارم او مردی شیعه و ارادتمند شما است، اگر صلاح بدانی نامه ای بر او بنویسی. امام صادق علیه السلام نامه ای برای نجاشی نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَرَّ أَحَاكَ يَسْرُكَ اللَّهُ؛ برادرت را خوشحال کن تا خداوند تو را خوشحال نماید.» وقتی وارد آن محل شد پیش فرماندار رفت، صبر کرد تا خلوت شد، بعد نامه را به او داده گفت: این نامه حضرت صادق علیه السلام است. نجاشی نامه را بوسید و بر روی چشم گذاشت. گفت: چه حاجت داری؟ گفت: مالیاتی بدهکارم. پرسید: چقدر است؟ گفت: ده هزار درهم. نجاشی منشی خود را خواست و گفت: رسید کند آن سال را بخشید و سال دیگر را نوشت. گفت: خوشحال شدی؟ گفت: آری. فدایت شوم. فرماندار دستور داد چند اسب سواری، غلام، کنیز و یک صندوق لباس به او دادند. هر کدام را که می داد، می گفت: شادمانت کردم؟ در جواب می گفت: بلی فدایت شوم هر چه او جواب می داد بله، باز بیشتر می داد تا تمام شد. گفت: فرش های همین اتاق را که نشسته بودیم و در روی آن نامه حضرت صادق را به من دادی بردار ببر، مال تو باشد. بعد از این اگر احتیاجی داشتی به من خبر بده. قبول کرد و رفت.

بعد از مدتی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و جریان را به تفصیل شرح داد. امام از کار او پیوسته شاد می‌شد. آن مرد عرض کرد: یا ابن رسول الله مثل اینکه کار او شما را خرسند کرد. فرمود: «ای و الله لقد سرَّ الله ورسوله؛ آری به خدا قسم! خدا و پیامبر را نیز خرسند نمود.»<sup>۴۹</sup>

در روایتی امام کاظم علیه السلام فرمودند: «من اتاه أخوه المؤمن في حاجة فإتما هي رحمة من الله ساقها الله فإن فعل ذلك فقد وصله بولایتنا وهي موصولة بولاية الله عز وجل؛ وقتی برادر مؤمنی نیاز خود را به مؤمنی عرضه می‌کند این عرضه نعمتی است از خداوند که به سوی او فرستاده شده است؛ پس اگر مؤمن نیاز او را بر طرف نماید این کار او را به ولایت ما می‌رساند و او به ولایت خدا متصل است.»<sup>۵۰</sup>

لذا اگر کسی نسبت به شیعیان امام زمان علیه السلام احساس مسئولیت کند و در راستای حل مشکلات آنان گامی بردارد، گویی به شخص امام یاری رسانده است.

---

۴۹ . بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۳۷۰، ح ۸۹.

۵۰ . بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۳ .